



نویسد

(لین الماده) (بایسته به ضرب سینه ایران) شماره ۱۰۰۰ شماره ۱۰۰۰

نوطه جدید رژیم شاه - ساواک

همه سگهای درنده و تارکوبی به اشغال آرام و مسالمت آمیز مردم در کاروانسرا سنگی (جاده کرج) برگ دیگری بر سر
کتابخانه و عین جلد تابان آرزو هم آسین ملت و مسلمانی که در خفا از آرزو را با این مکر این خرم و رسوا
بخت ناپاکان از تو رو با انجام گرفت.

اتحاد... مبارزه... پیروزی

مردمی که در چند روز گذشته بر همه دانشگاهها و خیابانها و میدانها و بازارها و کاروانسراهای این کشور مسلط و
مبارزه‌های را در برابر نظام استبداد و ترور و جنایت و گداخته این سوره سوره از این نطفه نطفه‌ها از این
مبارزه دانشگاهها سیاسی و فرهنگی که دستاویز من دانشگاهها گداخته بود و به خیابانها گداخته و در کعبه هام

نمونه‌های از اعلامیه‌هایی که در جریان‌های اخیر در ایران پخش شد



اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مبارزه‌ای که از دهه سوم آبان و اوایل آذر در تهران و برخی نقاط دیگر میان مردم و رژیم دیکتاتوری در گرفته، از سوی بیانگر این واقعیت است که مردم کار به استخوان رسیده ایران دیری است که دیگر طاقت تحمل رژیم استبداد شاه را ندارند و از سوی دیگر دلالت بر آن دارد که این رژیم برخلاف سیمای دروغینی که در مواقع اضطرار به خود میگرد، مانند درنده‌ها، با چنگ و دندان از نظام منقر و پلیدش دفاع میکند و مردم را به خاک و خون میکشاند. شاه که برای معامله گری به معنای واقعی این کلمه، به آمریکا رفته بود، علیرغم لاف و کزاف چندین ساله اش در باره حفاظت از نفت و افزایش قیمت نفت، در آنجا اعلام نمود که در کنفرانس ماه دسامبر اپک در شهر کاراکاس از پیشنهاد افزایش بهای نفت پشتیبانی نخواهد کرد و کارتر در مقابل این تعهد وطن فروشانه شاه و علیرغم لاف و کزافهای خود در باره "حقوق بشر" اعلام نمود که آمریکا به پشتیبانی از رژیم دیکتاتوری موجود در ایران که کلیه حقوق و آزادیهای مردم ایران را محسب نموده، ادامه خواهد داد. این معامله بیشرمانه و آشکار مدعای "وطن پرستی" شاه و "بشردوستی" امپریالیسم را برای هزارمین بار رسوا کرد و نشان داد که یگانه هدف این یک، تأمین ادامه حکومت خونین دیکتاتوری و تنها منظور آن یک، تأمین ادامه غارت نفت و اسارت ایرانست و "وطن" و "حقوق" و "بشر" در نزد آنان در بهترین حالت کالای بیست که میتوان با آن خرید و فروش کرد.

نوطه جدید رژیم شاه - ساواک

دشمن وطن که گویا شعارهای ضد میهنی میداد هاند، خبر دادند. تحریف و سلاخی حقیقت تنها هنر جلادان و روسپیان سیاسی است - رژیم که روی سر انگشتهای خون آلود جلادان میگردد جز پناه بردن به پشت دروغهایی چنین سخیف چه چاره ای دارد؟ اما از قدیم گفته اند که خائن خائف و دروغگو کم حافظه میشود. فوران چرکاب کذب و ریا از لابلای همان خبیر فرمایشی روزنامه‌های سرسپرده و ساواک زده بخوبی آشکار بود. مردمی که با شعبده بازیهای عامیانه و جنایات و دغلاکریهای رژیم شاه - ساواک آشنائی دیرینه دارند، با طعنه و ریشخند میپرسیدند:

— در روز تعطیل رسمی این به اصطلاح ۷۰۰ کارگر کجا بودند؟ مگر کارگران با اتوبوسهای درست شرکت واحد و اتومبیلهای نیروی هوایی به سر کار میروند و یا از کارخانه بر میگردند؟ عجیب! همه این ۷۰۰ کارگر نماز پیش با چماقهای یک شکل و زنجیر و چاقو و پنجه بوکس مسلح بودند، همه آنها بازو بند مخصوص بسته بودند و آرایش سرهایشان به سبک ارتشیان بود. حتی اکثر آنها کاپشن های آمریکائی بر تن داشتند و بسیاری نیز فراموش کرده بودند پوتین های آمریکائی خود را عوض کنند.

دنباله در صفحه ۲

هجوم سگهای درنده و هار حکومتی به اجتماع آرام و مسالمت آمیز مردم در کاروانسرا سنگی (جاده کرج)، برگ دیگری بر کتاب قطور و خونین جلاد تاجدار ایران و رژیم افقی صفت، ضد ملی و ضد خلقی او افزود. اما اینبار این هجوم رسوا در پشت نقاب تازه‌ای از ترور و ریا انجام گرفت.

در حدود ۷۵۰ نفر جمعیتی که روز سه شنبه اول آذرماه برای شرکت در مراسم جشن عید قریان و استماع سخنرانی تنی چند از رهبران مذهبی و شخصیتهای ملی در باغی واقع در کاروانسرا سنگی اجتماع کرده بودند، به ناگهان مورد یورش غافلگیرانه چماق بدستها و چاقوکشان عریه جوئی که در باغ را شکسته و از دیوارها بالا آمده بودند، قرار گرفتند. پیش از آنکه بهت و ناپاوری ناشی از این گرگ صفتی بی بهانه فرو بنشیند، صدها سر و دست و پای شکسته و دها جسد نیمه جان و غرقه در خون در فضا می آنگد از دهشت و ناله و بانگ خشم و اعتراض بر جای ماند. چماق بدستهای شاه صدها اتومبیلی را نیز که مردم بوسیله آنها به کاروانسرا سنگی رفته بودند خرد کردند و در هم شکستند.

فردای روز جنایت، روزنامه‌های فرمایشی که پسنداری به حقیقت و مردم اعلام جنگ داد هاند، با وقاحتی که تنها در خور آنهاست از زرد و خورد کارگران با یک مشت

اتحاد * مبارزه * پیروزی

وحشیانه و بیگانه و بینه آغاز شد، درهای صدها خانه در خیابانها و کوچه ها و پس کوچه های شهر باز شد و زنان و مردان، فرزندان قهرمان و آغشته به خون خود را که چکمه پوشان و قداره بندان رژیم در تعقیب آنان بودند، به خانه های خود پناه دادند و سینمهای مهربان خود را در برابر آنان سپردند. مردم به یاری مردم آمدند تا حماسه پیوند خلق را با تف کردن به روی داروغه ها و گزمه ها و گماشتگان قداره بوند و مزدوران کر و کور و تاریک دل رژیم ضحاک زمانه تأکید کنند.

برای حوادث چند روز اخیر نقطه شروعی نمیتوان قائل شد. شبهای شعر و سخنرانی کانون نویسندگان ایران که به میتینگ ده هزار نفری پر شور علیه سرکشی خفقان و نکبت و استبداد بدل شد و حوادث پراکنده و بیشماری که در ماههای اخیر به اشکال مختلف در گوشه و کنار کشور روی داد و جوهر و مایه اصلی همه آنها خشم به ستوه آمده و اراده نیرد و پرخاش در برابر رژیمی که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد دنباله در صفحه ۳

حوادثی که در چند روز گذشته در عرصه دانشگاهها و خیابانهای تهران رخ داد، آغاز مرحله نهمی از عکس العملها و حرکات ملی را در برابر رژیم - اختناق و ترور و ترور و جنایت، تأکید کرد. این حوادث به ویژه از این نقطه حائز اهمیت بسیار است که تظاهرات سیاسی و اعتراضی که نخست از صحن دانشگاهها آغاز شده بود، به خیابانها کشید و در کوچه ها و اماکن، باخروش و خشم رژیم ایران برساد. شاه - ساواک را در شعارهای شورانگیز خود افشا کرد و با مردم رو در رو سخن گفت. و بدنبال این جرعه که از آتش خرد و میهن پرستی برخاسته بود، مردم کوچه و بازار فوج فوج به تظاهر کنندگان پیوستند و صدای خلقی خود را با این بانگ روشنفرآ اعتراضی درآمیختند. خیابانهای تهران پس از سالها انتظار در زیر سایه سرنیزه و کابوس جلادان، صدای گره شدن مشت ها، جوش خوردن و پیوستن قلب ها، شکفتن عزم مبارزه و زبانه کشیدن شعله های خشم و قیام را شنیدند. و هنگامیکه گرازهای شاه به صفوف میهن پرستان یورش بردند و ضرب و شتم

بیشردوستی " امپریالیسم را برای هزارمین بار رسوا کرد و نشان داد که یگانه هدف این یک، تأمین ادامه حکومت خونین دیکتاتوری و تنها منظور آن یک، تأمین ادامه غارت نفت و اسارت ایرانست و "وطن" و "حقوق" و "بشر" در نزد آنان در بهترین حالت کالای بیست که میتوان با آن خرید و فروش کرد.

نخستین ثمره معامله شاه و کارتر تهاجم مشترک آنها علیه نیروهای میهن پرست و ضد دیکتاتوری ایران بود. هنگام مذاکرات شاه و کارتر، در برابر کاخ سفید، بیش از هزار تن از افراد نیروهای مسلح ایران که در آمریکا تحصیل میکنند و با پول نفت ایران و با توافق دولت آمریکا از پایگاه نیروی هوایی "لاگ کند" برای پشتیبانی از شاه به واشنگتن آورده شده بودند، به کمک و همکاری پلیس آمریکا بر هزاران تن افراد ایرانی که برای اعتراض علیه رژیم دیکتاتوری ایران در آن محل گرد آمده بودند، وحشیانه حمله ور شدند. عدهای به سختی مجروح و دها تن از مخالفان دیکتاتوری از جانب پلیس آمریکا بازداشت گردیدند.

در حالیکه ضربات چماق این آدمکشان حاشیه کاخ سفید را با خون مخالفان رژیم رنگین کرده بود، در تهران دنباله در صفحه ۴

پیروزی پیکار مبارزان ضد استبداد علیه رژیم منقر ترور و اختناق

دنباله توطئه جدید رژیم ...

گاه حوادث در کنایه های خود گوئی پوزخند تسخر میزنند . کافی است حادثه ها را کنار هم قرار دهیم تا مشت دروغگویان حرفه ای و میر غضب هائی که بایبشرومی سنگ مردم را به سینه میزنند باز شود . کارگران شریف ایران و همه مردم در بند آزاده و آگاه که ۲۴ سال است سرنیزه کود تاگران را زیر گلوی خود احساس میکنند ، هنوز خاطره قتل عام کارگران زحمتکش جهان چیت را توسط ژاندارمهای شاه فراموش نکرد هاند . آد مکشان شاه درست در همین کاروانسرا سنگی که شاهد وقایع اخیر بود مسلسلها را بسوی صفوف آرام کارگران آتش کردند و از خون پاک آنهاشقایق های سوزان و داغداری را روی خاکهای جاده کر ج و در واقع در قلب طبقه کارگران ایران ریویاندند . و حالا همان قاتلان بی آرمم ادعا میکنند که کارگران ایران به حمایت از جلا دود خویاخواهران و برادران وفرزند ان خویش در آو یخته اند و آنها را به خاک و خون کشید هاند . زهی وقاحت!

کمدی نویسان ساواک و ساواک زدگان روزنامه نویس هرگز قادر نبودند مضطک تر و شاخدارتر از این افسانگه خلق کنند . رژیم که دستهایش تا مرفق به خون شهدای کارگر آغشته است ، کارگران زحمتکش و مبارز - این خونی ترین دشمن بساط ننگین خود را - سربازان و فدائیان جان به کف خویش معرفی میکند . رژیم که تظاهرات حق جویانه هزاران کارگر ریسنده شاه را با گلوله جواب میدهد ، اعتصاب کارگران چیت تهران را در جاده آرامگاه در خون غرق میسازد ، اجتناع اعتراضی کارگران کوره پزخانه ها را به گلوله میندند ، با هرنوع حرکت و مقاومت کارگری بسا باروت و زندان و اخراج های دسته جمعی مقابله میکند ، اینک در نهایت سفاهت میخواید در انظار ، قربانیان خود رانکبه گاه خود بنامد ، اما مردم ما این دسیسه ها را میشناسند . کارگران مبارزو آگاه ایران که میزان نزدیکی و الفت رژیم شاه - ساواک را با خود در آئین نامه انضباطی خشن و ضد کارگری اخیر و چماق حاضر و آماده او که در هر حرکت حق طلبانه با آن روبرویند ، بخوبی تشخیص داد هاند و به این دوستی به اصطلاح خاله خرسانه ، به این الفت چندش آور که داستان محبت گرگ به گوسفندان را بسا میآورد ، با اعتراضات صنفی و سیاسی ، جنبشهای اعتراضی و تظاهرات مخالفت آمیزی که هر روز اوج و شدت و دامنه فزونتری مینماید و وحشت و سراسیمگی و ترلززل رژیم را عمیق تر میکند ، پاسخ میگویند .

توطئه کاروانسراسنگی حادثه بیسابقه ای نبود . یک روز پیش از این صحنه سازی یلید ، گرازهای شاه بالباس مبدل و با همان شیوه آشنا ، به استادان ، دانشجویان و انبوه مردمی که برای شنیدن برنامه سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران به دانشگاه آریامهر آمد ه بودند حمله بردند . استادان دانشگاه را کتک زدند ، دانشجویی را با زنجیر و پنجه بکس و چوب و چماق و چاقو به خاک و خون کشیدند و مردم را تارومار کردند . این بار رژیم مدعی بود که این ارواح خبیثه که انگاری از جهنم بدر آمده بودند تا فرمان ابلیس را اجرا کنند ، اعضای حزب رستاخیز هستند . شاید چنین باشد . در حزب دیراری ، چیز چاقو کشان حرفه ای و اوپاشان دهان گشاد و شعبان بی مخهای رنگ و رنگ ، تحفه دیگری نیست .

شیوه ترور و اراغاب تازه ابداع رژیم در سفر شاه به آمریکا نیز مورد استفاده قرار گرفت و چهار هزار تن از گروهیان و رنجرها و گارد های ارتش و شهریان ساواک با لباس مبدل توسط ۹ جت بوئینگ به واشنگتن منتقل شدند تا اجتماع دانشجویان وطن پرست ایرانی را که به افشای سیمای دژخیم خلقهای ایران برخاسته بودند ، بهم بریزند . اما کوس این رسوایی نیز در جراید و وسایل ارتباط

جمعی اروپا و آمریکا زده شد و جهانیان پرده دیگری از ریا و فریب دلفکی را که در جاده جنایت به دروازه های تعدن بزرگی رسیده ، در یافتند .

دارو دسته ای که تمامی نیروهای حکومتی را بر سرای تقلب و نیرنگ و قلب حقایق بکار میگردد و بر چماق و دشنه اوپاشان و پست فطرتان مزدور تنکبه میکند ، با این سیاست راهزنانه هم هراس خود را از آگاهی توده ها به کنه امور و واقعیات نشان میدهد و هم بی ثباتی پایه ها و ضعف و ترلززل درونی خود را در برابر حتی یک نسیم کوچک که از فراز یک اجتماع چند صد نفری میگذرد ، مومیائی در برابر هوای آزاد متلاشی میشود . برای رژیم اختناق شاه هراندیشسه آزاد ، هر طبع مخالف بردگی ، هر احساس وطن پرستی ، هر جلوه حقیقت و حقانیت ، هر صدائی که از حلقوم بیش از دو نفر خارج شود ، هر نوع اعتراضی یا تظاهر جمعی ، بمثابه هوای تازه ای است که جسم پوسیده و کرم خورده و فاسد آنرا تنهید میدکند . وشگفتناکه این بوزینگان غاصب حکومت شریفترین و صدیق ترین میهن پرستان را بنام قانون و نظم و وطن که خود سلاخ واقعی آن هستند ، به سیاه چالها میسپارند ، به جوخه های اعدام میندند ، در کوچه ها و خیابانها قتل عام میکنند ، در محکمه های در بسته و شکنجه گاههای مخوف زیر زمینی زیر پاشنه میگویند و آنگاه کبه دستشان از همه این وسایل سبعیت کوتاه شد ، با بر چسب وطن فروشی هو میکنند .

اما کیست که خائن و فرومایه واقعی را نشناسد . او همان شیریری است که برای جلب رضایت و حمایت ارباب و اشنگتن نشین خود نفت ما را میبخشد ، نه با کمترین مشورتی حتی با مجلس فرمایشی و غلامان و چاکران کمر بسته ای که احاطه اش کرد هاند ، بلکه سر خود و مستبدانه . و به این چاکری امپریالیسم جهان خوار مباحات میکند و باد در گلسو میاندازد که برای همدردی یا غریب - غرب امپریالیست - حاضر است سیاست نفتی پخما گرانه آمریکا را در اوپسک اعمال کند و اگر لازم افتد اوپک را از هم بپاشد . خائن آن تاجدار تهی مخز و دارودسته ایران برپاده دهی است که ۲۴ هزار مستشار نظامی و هزاران کارشناس و جاسوس آمریکائی را با افسانهای ترین حقوق و مزایا به ایران آورده و علا ایران را به اشغال پنهان و ویرانگر امپریالیسم سپرد هاست . خائن آن افعی های زهر آگینی هستند که کتاروزی ما را به پیروی از سیاست اقتصادی سلطه جوی یانکی ها و صیبهونیست ها و سرمایه داران و سیاست بازان غرب به ورشکستگی کامل سوق داد هاند و در روی گنجهای طلای سیاه و مس و اورانیوم و زغال سنگ و دیگر معادن و نعمات سرشار و بی شمار ، سی و پنج میلیون گرسنه و نیمه گرسنه ، بیخانمان ، دهان بسته و رنج دیده ه بر جای نهاده اند . آنها که فکر و ذکرشان افزودن بر تعداد زندان هاست ، اما در دانشگاهها میندند ، آن گانگسترهای بین المللی که سرخ بزرگترین شبکه های قاچاق مواد مخدر و قمارخانه ها و کازینوهای ایسران و جهان بنوعی به سرانگشتهای آنان پیوسته است ، آنها که با صیبهونیسم و امپریالیسم علیه خلقهای کشورهای دیگر دسیسه میچینند و برای حراست منافع امپریالیسم باخون جوانان ما و ثروتهای ملی ما خلق آزاد یخواه ظقنار را در خون غرق میسازند ، آنها که بهترین فرصتهای تاریخی را با غارت دلارهای نفتی و حیف و میل و حاتم بخشی آن به هدر داد هاند و یا با خرید خوراها آهن پاره و تانک و توپ و هواپیما و رادار و سیستمهای جاسوسی الکترونیک که هیچ ضرورتی برای منافع ملی ما ندارد ، به جیبهای گشاد امپریالیسم ریخته اند ، آنها که مجلس و مشروطه و قانون را به خیمه شب بازی استبداد بدل کرد هاند و آزادی و اندیشه و قلم را در خاکستر و باروت دفن کرده اند . . . آری ، خائن واقعی راهمه میشناسند ، اگر چه تمام دستگهای تبلیغاتی جهان امپریالیسم و همه قلم

به مزدها و رجاله ها و مقاطعه گران داخلی بخواهند سیمای کریه اورا بزرگ کنند و بسیا رایند . اما در جهان که بر اثر بهم خوردن موازنه قدیمی قدرت و پیشرو طلایه داران صلح و عدالت و آزادی و سوسیالیسم ، حنا امپریالیستهای یک تاز دیروز به حققان افتاد هاند - عروسکهای پوشالی و لعینگان آنها دور نمائی ندارند . جنایت کاروانسراسنگی و فجایع اخیر رژیم درد انشگاهها رقم تازه ای بر شمار شهدای راه آزادی و استقلال ایران افزوده است ، آخرین شگوه ها و تشنجات جنون آمیز عکس العملهای عصبی و بیعارگونه آریامهری است . لحظه ای که رژیم با ابزارهای کهنه خود قادر به ادامه حکومت نباشد و حکومت شوندگان ادامه این وضع ناهنج و خیانت بار و ضد مردمی را فعلا نه نخواهند ، بسر عس فرامیرسد . گراز تیر خورده میخواید وانمود کند که چونار سالیان دروزخی اقتد از خود براریکه قدرت جبروتی نشسته و کنترل اوضاع را در دست دارد . اما حقیقت جز این است سداستیداد و خود کا مگی ترک خورده و رژیم در برابر امواج پیاپی و اوج گیر تظاهرات و اعتراضات و مقاومتها مبارزات صنف ها و گروهها و قشرها و طبقات مختلف مل بخود میلرزد . در این شرایط حساس و خطیر ، برای سا کردن بختی که بروی میهن ما افتاده و هر تحول و پیشرفت و بهبود و رونق ملی و میهنی در گرو محو آنست ، تنها یا راه و فقط یک راه در برابر توده ها و مبارزان وجود دارد . اتحاد همه نیروهای مخالف استبداد در یک جبهه واحد همه گیر ضد دیکتاتوری .

تمام شرایط ضروری یعنی چنین اتحادی مهیا است : عناصر وطن دوست و آزاد یخواه باید یاد رک عی مسئولیت خود برای ایجاد این جبهه واحد و طرد هرگونه کارشکنی ، نفاق افکنی و بیانه جوئیهای زینابخشا حرم و حوزه آن با تمام نیرو بگو شند . چنین اتحادی صرف نظر از اختلاف نظرهای مسلکی ، عقیدتی ، سیاسی مذهبی و برداشتهای متفاوت ، تنها بر محور اشتراک مساعی برای واژگونی دارو دسته دیکتاتوری میتواند شک بگیرد ، تاتار شود و سازمان بیاید . جز تشکل در یسا جبهه سیاسی گسترده که از حمایت فعال و انرژی و تح و قدرت پراکنده کلیه نیروها و عناصر ملی و میهنی بطر یکجا برخوردار باشد . : بزندان آختن دارو دسته ای چنین قدر ، حیله گر و قسی که از همه امکانات حکومتی و سازما - های پلیسی و سیاسی و نظامی وسیع و حمایت بیدریا امپریالیسم جهانی بهره مند است ، میسر نیست . درک کذ این واقعیت و پاسخ عملی به آن کلید پیروزی ماست .

پیش بسوی جبهه ضد دیکتاتوری

برنامه حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، تنها حزب مدافع واقعی منافع تمام زحمتکشان ایران را با دقت مطالعه کنید ، بهر وسیله مطمئنی که برایتان میسر است ، به پخش آن یاری رسانید .

دنیاله اتحاد - مبارزه - پیروزی

به ایران تحمیل شده بود، و از این مهمتر، حرکات اعتراضی و جنبش‌های روزافزون طبقه کارگر ایران که گام به گام چهره عیانی و سیاسی آن در آهنگ بی‌وقفه و اوج گیرنده‌ای واضحتر میشود، همه و همه از بحران همه جانبه‌ای که گریبانگیر رژیم ستگر و خودکام شاه شده و فصل تازه‌ای که در مبارزات مردم ما با جباران و تاراجگران وطن آغاز گردیده، حکایت میکنند. اما حوادث اخیر آغاز مرحله تازه‌ای از گسترش بی‌سابقه این تظاهرات و حرکات توده‌ای بود که در آن بیش از ۲۰ هزار نفر از قشرهای مختلف مردم و در پیشاپیش آنان دانشجویان آزاد یخواه، شرکت داشتند. حادثه در غروب سه شنبه ۲۴ آبان ماه با یک جرعه کوچک از دانشگاه صنعتی (در خیابان آیزنها - ور) آغاز شد. نیمی از جمعیتی که آنروز برای شرکت در مراسم سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان با دعوت قبلی به دانشگاه صنعتی آمده بودند، بسا درهای بسته روبرو شدند و وقتی که به این روش غیر اخلاقی و ضد فرهنگی مسئولان دانشگاه که بی‌شک به دستور ساواک و ناشی از وحشت رژیم از هرگونه تجمع مردم بود، اعتراض کردند، با یورش ناگهانی و وحشیانه گارد دانشگاه مواجه گردیدند. آری، رژیمی که جز سرنیزه زبان دیگری برای سخن گفتن نمیداند، حتی در محیط علم و فرهنگ نیز جز با این صدای متعفن نمیتواند حرف بزند. اما این بار مردم به این صدای هرزه و وحشی یا مشت‌گره کرده‌ای که از هزاران دست تشکیل شده بود، پاسخ گفتند. در حدود دو سه هزار نفر از دعوت‌شدگان به سخنرانی که در میان آنان از همه قشرهای اجتماعی به ویژه دانشجویان و مدارس عالی کشور بودند، به عنوان واکنش و مقابله در برابر توهین گام‌شکنان رژیم شروع به تظاهرات کردند و در ظرف چند دقیقه، در سراسر خیابان آیزنهاور از نزدیکی میدان شهیاد تا حدود دانشکده دامپزشکی - شعارهای میهنی و ضد رژیم محلات اطراف را به لرزه در آورد:

— جلا د ننگت یاد ۰۰۰ مرگ براین حکومت فاشیستی ۰۰۰ زحمتکشان بدانید، شاه شما جلا د است ۰۰۰ اتحاد، مبارزه، پیروزی ۰۰۰

اولین مهاجمان پلیس با هجوم جمعیت خشمگین که جز مشت‌های گره کرده و قلب‌های سوزان خود سلاخی نداشتند، تارومار شدند. به دنبال آن کامیونها و مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌های لبریز از گارد‌های پلیس یکی پس از دیگری سر رسیدند و ضرب و شتم خشن و دستگیری جمعیت مشتاقی که برای شرکت در یک برنامه فرهنگی دعوت شده بود، آغاز شد. وقتی خبر این یورش وقیحانه به پنج هزار جمعیتی که در داخل سالن ورزشی دانشگاه صنعتی برای شنیدن سخنرانی اجتماع کرده بودند رسید، برنامه سخنرانی تعطیل شد و جمعیت یکپارچه به خشم آمده، بیتاب و راسخ اعلام کرد:

تا هنگامیکه کلیه دستگیر شدگان آزاد نشوند و این اقدام موهن رژیم تروریست و ضد فرهنگ پوشش خواهی نشود، جمعیت به عنوان اعتراض در سالن دانشگاه صنعتی متحمن خواهد ماند و اعتصاب سته جمعی ادامه خواهد یافت.

نیمه‌های شب پدران و مادران و خواه‌امران و برادران نگران و مضطرب که برای آگاهی از علت غیبت عزیزان خود مقابل دانشگاه صنعتی جمع شده بودند، به دستور یکی از روسای گارد شهرانیسی

به داخل دانشگاه رانده شدند تا به دستور جناب سرهنگ افرزندان متحصن خود راز دانشگاه خارج کنند و به خانه ببرند. اما پدران و مادران وقتی با فرزندان خود روبرو شدند و در آغوش جمعیتی پنج هزار نفری غوطه خوردند و اشک‌هایشان با سرم انگشت پسران و دختران قهرمان‌نشان پاک شد، تصمیم خود را برای پیوستن به اعتصاب کنندگان اعلام داشتند و به این ترتیب تحصن اعتراضی با حضور خانواده‌ها رنگ دیگری بخود گرفت. نمایندگان دانشگاه‌های مختلف، کارگران، کارمندان، فرهنگیان و قشرهای دیگر که در سالن سخنرانی حضور داشتند در میان ابراز احساسات شدید حاضران یکی پس از دیگری پشت‌تربوین رفتند و به نمایندگی از صف دانشکده، کارگاه، و همکاران خود همبستگی با خواستهای حقه اعتصاب‌کنندگان را اعلام داشتند. این درحالی بود که اعلامیه‌های مختلف دست‌نویس تصمیمات و توجیه‌های گروه‌های مختلف حاضر در سالن را به اطلاع همگان میرساند و چون ورق‌های زر در انضباطی حیرت‌انگیز و سازمان یافته دست به دست میگشت و ترانه‌های ملی و انقلابی خلق‌های ساکن ایران فضای رفیقانه سالن را گرمی و حرارت بیشتری میداد.

این اجتماع گرسنه، خسته، منتظر، اما با عزم، یکپارچه و همدل، غرقه در صفا و شکوه پیوند، یک شبانه روز به اعتصاب خود ادامه داد تا سرانجام با تعهد و قول و تأکید رئیس دانشگاه برای آزادی دستگیر شدگان و انتشار قطعنامه‌ای از دانشگاه خارج شد. در این قطعنامه تصریح شده بود که اگر تا روز یکشنبه ۲۹ آبانماه، که قرار است مجلس سخنرانی با حضور دوباره جمع برگزار شود، خواستهای اعتصاب کنندگان و در رأس همه، آزادی بازداشت‌شدگان، عملی نشود، اعتصاب عمومی تمام دانشگاه‌ها و بسیاری از واحدهای اجتماعی سراسر کشور را فرا خواهد برد. این میثاق ادامه مبارزه بود.

در شب تحصن ۵ هزار نفری دانشگاه صنعتی، در تهران حکومت نظامی برقرار بود. به دنبال نبرد مردم و دانشگاهیان با پلیس مهاجم که طی آن شیشه‌های چند بانک و تأسیسات ایران ناسیونال و سیتروئن و پیپسی کولا و ۰۰۰ شکست، آرامشی موقت برقرار شد. اما از فردای شب حکومت نظامی اینس آرامش با تظاهرات گروه‌های پراکنده و کوچک و بزرگ در گوشه و کنار شهر (و بیشتر در خیابانهای آذر با - پجان، نواب، آیزنهاور، امیرآباد و شاهرضا) فراموش شد. هجوم میرغیب‌ها به دانشگاه بهانه‌ای بود تا مردم خشم و انزجار خود را از رژیمی که چوخت بختک به روی وطن ما افتاده و هر صدای شریفی را با گلوله و زندان و جوخه‌های اعدام خاموش میکند، ابراز دارند. تظاهرات خیابانی در بعضی نقاط آنقدر وسیع و علنی بود که در خیابان اسکندری و دروازه دولت و چند نقطه دیگر کار به تیراندازی کشید و عده‌های کشته و زخمی شدند. اما خون شهدا شعله‌ها را سرکش‌تر میکند. تهران در چند روز گذشته شاهد شکوفه کردن عزم مردم و شکفتن گل‌های تازه‌ای بود. دستها از درون دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها - بسوی هم دراز میشوند. ضرورت وحدت همه نیروهای مخالف رژیم استبدادی به اشکال گوناگون خود را به مبارزان و توده‌ها نشان میدهد. حقانیت شعار روز حزب توده ایران که همه نیروهای مخالف رژیم دیکتاتوری شاه را صرفنظر از اختلافات عقیدتی و مسلکی، به اتحاد عمل برای سرنگونی سفاکترین و وطن‌فروش‌ترین رژیم تاریخ دعوت میکند، پیش از پیش آشکار میشود. مبارزان شریف و خلق‌های

بجان آمده با تمام وجود خود اهمیت حیاتی احیای هرچه گسترده‌تر سازمانهای سراسری حزب توده ایران و دیگر سازمانهای صنفی و سیاسی میهنی و ملی‌راکه تنها کلید گشودن دروازه پیروزی ملت ماست، احساس میکنند. ملت ما با نیروی بیشتر و اراده مستحکمتری از میان تجربیات تلخ و خونین و پیر رنج خود که طی سالهای حکومت فاشیستی و روزهای نکبت و خفقان و تاراج و زورگویی و عوامفریبی اندوخته، برمیخیزد. روزهای اخیر ما را به هم نزدیکتر کرد. در روزهای آینده این نزدیکی باید به پیوند‌های فشرده تری بینجامد. همزمانی تظاهرات گسترده و پرشور دانشگاهی و خیابانی تهران با تظاهرات افشاگرانه بیش از ده هزار میهن پرست و دانشجوی ایرانی در آمریکا به هنگام ورود شاه تصادفی نیست. اتحاد و پیوند حتی از برای صد هزاران کیلومتر راه ضرورت مبرم خود را نشان میدهد. در این روزهای حساس که رژیم ضحاک معاصر در لجنزار فساد و ورشکستگی فرو میرود و در بن بست ناشی از سیاستهای ایران برآمده و ضد خلقی سرگردان است، تنها ضربه اساسی را مشت محکم خلقی ما که از پیوند تمام دستها نیرو میگردد، میتواند فرود آورد. بگذارد این شعار نغز که در روزهای اخیر در خیابانها و کوچه‌های تهران طنین الهام بخشی داشت، تحقق یابد:

— اتحاد ۰۰۰ مبارزه ۰۰۰ پیروزی ۰۰۰

ماضن محکوم کردن اقدامات فاشیستی اخیر رژیم ضد خلقی و ضد ملی شاه، آزادی بی‌قید و شرط کلیه دستگیر شدگان و برجیدن فوری نظامیان و کوماندوهای پلیس را از اطراف دانشگاه‌های محاصره شده و کوچه‌ها و خیابانها مبررانه خواستاریم و از کارگران و زحمتکشان و دیگر میهن پرستان دعوت میکنیم که با تمام نیرو به پشتیبانی فعال از خواستهای جوانان و دانشجویان میهن پرست و آزاد یخواه برخیزند و با شرکت در تظاهرات آنان، این تظاهرات را به مشت متحد و نیرومند خلق مبدل سازند.

حزب توده ایران

با کمکهای مالی به پیشرفت مبارزه حزب توده ایران

یاری رسانید!

با گسترش مبارزه در ایران احتیاج سازمان مرکزی حزب به کمک مالی هرروز بیشتر میشود. در شرایط اختناق سیاه ساواکی و بیگرد‌های پلیسی رساندن تکثیر و پخش نشریات حزب در ایران، ایجاد امکانات چاپ در ایران، کمک به مبارزان و خانواده‌های رفقای زندانی مستلزم هزینه روزافزونی است. کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه دوستان و همراهان و رفقای حزبی میخواهد که با کمکهای مالی به سازمان مرکزی حزب به پیشرفت کار در ایران یاری رسانند.

کمکهای مالی خود را به یکی از دو حساب بانکی زیر ارسال دارید و یا مستقیماً به مرکز حزب برسانید. در صورت اول با نامهای با امضای مستعار ارسال پول را بر مگر حزب اطلاع دهید.

رسید کمکها در مجله دنیا به نام مستعار و یا شماره‌ای که هر فرستنده خود خواهد گردید اعلام خواهد شد.

1- Dr. John Tukman
Sweden - Stockholm
Stockholms Sparbank
No. 040012650

2- Dr. Maria Albertini
DDR - Berlin
Deutsche Ausenhandelsbank
No. 9608 - 3131 - 0010

ما اقدام تجاوزگرانه رژیم استبدادی شاه را علیه آزادی و استقلال حبشه محکوم میکنیم!

اعتراضیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هموطنان عزیز،

هرروز که میگذرد، پرده از روی توطئه جدید رژیم استبدادی ایران و امپریالیسم، علیه خلقها برداشته میشود.

در ایام اخیر - به ویژه پس از بازگشت شاه از سفر واشنگتن - بار دیگر رژیم استبدادی دست به اقدام مداخله جویانه و تجاوزگرانه تازه ای، در جهت حفظ منافع امپریالیسم و ارتجاع بین المللی زده است، بدین معنی که تصمیم گرفته است، با استفاده از دالان هوایی که عربستان سعودی در اختیارش قرار میدهد، به مقدار زیاد اسلحه سنگین برای دولت سومالی بفرستد تا این دولت از آن برای مقاصد تجاوزگرانه خود علیه حبشه استفاده کند.

چنانکه میدانیم مدتی است سومالی، با نقض مصونیت مرزها و تمامیت ارضی حبشه، علیه این کشور دست به

تجاوز آشکار زده و بخشی از اراضی آنرا اشغال کرده است. اقدام رژیم برای ارسال سلاح به سومالی، در جهت اجراء توطئه امپریالیسم آمریکا است که درصدد سرکوب جنبش انقلابی و رژیم خلقی در حبشه است. این اقدام در جهت ایجاد یک کانون نوین تشنج در منطقه موسوم به "شاخ آفریقا" است. این اقدام رژیم نمودار دیگری از آن سیاست ضد صلح و تشنج فزاینده است که به همراه تجاوزکارترین محافل امپریالیستی انجام میگردد و نه تنها به زیان خلق حبشه، بلکه به زیان خلقهای ایران و سومالی و علیه منافع جنبشهای رهایی بخش خلقهای آفریقا است.

ما به اقدام تازه تجاوزگرانه و مداخله جویانه رژیم علیه استقلال و آزادی حبشه به شدت اعتراض میکنیم. این اقدام، پس از مداخله در عمان و علیه جنبش رهایی بخش مردم ظفار گام دیگری است که رژیم، به عنوان زاندارم امپریالیستی، در جهت سرکوب جنبش دمکراتیک و ملی

خلقها بر میدارد.

روشن است که این سیاست ضد ملی و تجاوزکارانه رژیم، با سیاست ضد دمکراتیک وی که در این روزها متوجه سرکوب خشن مبارزات آزاد یخوآهانه و به حق مردم ایران است، پیوندی درونی و سرشتی دارد؛ کسیکه به خلق خود ستم روا میدارد، همین رفتار را در باره خلقهای دیگر خواهد داشت و برعکس.

مردم آزاده ایران که هرگز چنین اقدامات تبعیض کارانه ای را مجاز نمیشمرند، باید بانگ رسای خود را علیه این توطئه تازه رژیم و امپریالیسم آمریکا، علیه مردم دلاور حبشه که با جانبازی در راه نیل به استقلال واقع و دمکراسی حقیقی بیابرخاسته اند، بلندکنند و نشان دهند که خواست مردم ایران درست نقطه مقابل سیاست مرتجعانه رژیم استبدادی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۵۶

دنباله اظهاریه هیئت اجرائیه

مأموران شاه با تأیید و همکاری مستشاران و کارشناسان "امنیتی" آمریکا با چماق، پنجه، پکس، کابل و زنجیر بر هزاران دانشجو، معلم، دانش آموز، کارگران و دیگران که میخواستند برای شنیدن یک سخنرانی ادبی و هنری در دانشگاه صنعتی گرد آیند حمله بردند و دست به جنایاتی زدند که در دنیای امروز جز بربریت نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد. در دانشگاهها، خیابانها، میدانها و بازارها چندین روز متوالی مأموران رژیم دیکتاتوری تظاهرات عادلانه و قانونی هزاران دانشجو، معلم، نویسنده، هنرمند، کاسپکار، شخصیت سیاسی، کارگر، روحانی و کارمند را که به اعتراف ویلیام برانینگن، (خبرنگار "انترنا -

یشنسل هرالد تریبون" که شاهد ماجرا بود، به آرمی در خیابانها حضور یافته و میخواستند به آرمی متفرق شوند، بارها مورد حملات وحشیانه قرار دادند. مأموران رژیم لجام گسیخته دیکتاتوری و چاقوکشان مزدور بدون اجازه و قرار مراجع ذیصلاح قانونی به عسف وارد خانه های مردم میشدند، به هرکسی میرسیدند به باد کتک و فحش میگرفتند، کتاب، لباس، دستگاہ ضبط صوت و هرچیز دیگری را که در دست مردم میدیدند، به زور میگرفتند و در ملاء عام به شیوه فاشیستی آتش میزدند سرو دست میشکستند و به حد کشت افراد را میزدند. در این جریان صد هانفر بازداشت شدند و از جمله بازداشت شدگان نویسنده نام آور ایران محمود اعتماد زاده (به آذین) و فرزند ایشان است. طبق اطلاعات رسیده به عدای نیز به دست مأموران رژیم دیکتاتوری به قتل رسید هاند. مردم حق خواه و بی پناهی که در معرض حمله گرگان رژیم دیکتاتوری قرار گرفته بودند فریاد میکشیدند: "در ایران قانون وجود ندارد!" "دیگر نمیتوان خاموش نشست!"، "مرگ بر این حکومت فاشیستی!"

در روزهای پس از این حوادث از یکسو مبارزه مردم و از سوی دیگر وحشیگری دژخیمان چاقوکش رژیم گسترش تازه ای یافت، حمله شیخون مانند صدها گراز وحشی ساواکی و چاقوکشان شعبان بی مخ به هزار نفر مردمی که به مناسبت جشن عید قربان در نزدیکی داروانسرا سنگینی

گرد هم آمده بودند و صد هانفر را به سختی مضروب و مجروح ساختند، شیوه جدیدی است که رژیم برای مقابله با جنبش در حال رشد ضد دیکتاتوری در پیش گرفته است. خیزش جدید جنبش ضد دیکتاتوری در ایران درد لها شعله آمید برافروخته و جنایات رژیم کین و نفرت همگانی را برانگیخته است. حزب توده ایران که سی و شش سال است از نخستین روز تأسیس خود، با ارتجاع و استبداد و امپریالیسم خونخوار دست به گریبانست و در ایسن راه هزاران تن از بهترین اعضای خود را در مید انهای نبرد علیه رژیم ضد خلقی قربانی داده و متحمل سخت ترین مصائب و مشقات گردیده است، در این موقع که مبارزات عادلانه مردم ایران با تهاجم خونین رژیم مواجه شده و تنفر و اعتراض عمیق خود را علیه اعمال بربرمنشانه و ضد قانونی رژیم دیکتاتوری اعلام میدارد. حزب توده ایران مبارزه آزاد یخوآهانه مردم ایران، کلسیه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای ملی و دمکراتیک را که علیه رژیم مغفور دیکتاتوری و در راه احیای دموکراسی در کشور قلم کرده اند، با تمام قوا تأیید مینماید و از خواستهای ملی و میهن پرستانه آنها در باره انحلال سازمان آدمکش امنیت، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، انحلال مجلس فرمایشی، اجرای انتخابات آزاد، تأمین آزادی احزاب، اجتماعات، مطبوعات، قلم و بیان، احیای استقلال قضائی در ایران، تعقیب و مجازات متجاوزین به حقوق مردم و خائنین به استقلال ایران پشتیبانی میکند. حزب توده ایران دوش به دوش سایر نیروهای ملی و دمکراتیک ایران بر این عقیده است که برانداختن استبداد شاه و پایان دادن به شیوه ترور و اختناق، احیای حقوق و آزادی بیهای دموکراتیک مردم ایران و اعاده حیثیت اجتماعی جامعه کشور ما که به حقارت بارتترین اهانت آمیز ترین طرز لگد مال دیکتاتوری لجام گسیخته گردیده، نیاز حیاتی و مبرم ایران امروز است.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

<p>☆ منتشر شد ☆</p> <p>به مناسبت شصتمین سال انقلاب کبیر اکبر</p> <p>۱۰ و ۱۰۰</p> <p>در باره نقش زن در اجتماع و تجربیات بدست آمده در اتحاد جماهیر شوروی در باره حل موضوع زن</p> <p>ترجمه مریم فیروز</p>	<p>☆ منتشر شد ☆</p> <p>داستان تاریخی</p> <p>فرهاد چهارم</p> <p>نوشته احسان طبری</p> <p>از انتشارات حزب توده ایران</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

منتشر شد

جهان بینی ها و جنبشهای اجتماعی در ایران

«کتاب دوم - جز دوم»

«جامعه ایران در دوران رضاشاه»

از انتشارات حزب توده ایران